



University of Tehran Press

"The Right to Have an Interpreter" in Judicial Proceedings and its Basic Jurisprudential Guarantees

Seyyed Mohsen Ghaemi Khargh^{1*}  Ardovan Arzhang²  Somayyeh Aghaenejad³ 

1. Corresponding Author, Department of Human Rights and Environment, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: m.ghaemi313@sbu.ac.ir
2. Fiqh and Islamic Law Group, Faculty of Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran. Email: arzhang@yu.ac.ir
3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Ayatollah Haeri Meybod University, Yazd, Iran, Email: aghai.somayeh@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 07 September 2024
Received: 20 November 2024
Accepted: 07 December 2024
Published online 03 March 2025

Keywords:
*Interpretation,
right to have an interpreter,
procedural rights,
fair trial.*

ABSTRACT

The presence of an interpreter in judicial proceedings is necessary when the parties to the dispute require it. This importance is reflected in the right to have an interpreter in international documents, domestic laws and Imami jurisprudence. However, merely recognizing this right without considering its guarantees, including an independent criminal guarantee for the interpreter, does not ensure the rights of the litigants and the goal of competent judicial governance. Based on the hypothesis of this article, it seems that Imamiyyah jurisprudence has taken into account all of the above aspects (including the recognition of the right to have an interpreter and the civil and criminal guarantee resulting from incorrect interpretation in order to protect the rights of litigants with disabilities or language alien). This research has been conducted using a descriptive-analytical method and is based on library studies to analyze the right to have an interpreter and guarantee it by examining the proofs of the interpreter's responsibility and considering the optimal criminal responsibility in Imamiyyah jurisprudence. Considering the silence of Iran's criminal laws, this article, along with the jurisprudential analysis of the interpretation and the explanation of the gaps in criminal responsibility in Imami jurisprudence, suggests the necessity of predicting it in domestic laws.

Cite this article: Ghaemi-Kharagh, M.; Arzhang, A. & Aghaenejad, S. (2025). "The Right to Have an Interpreter" in Judicial Proceedings and its Basic Jurisprudential Guarantees. *Islamic Jurisprudential Researches*, 21, (1), 1-14.
<http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380982.1009499>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380982.1009499>



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

«حق بر داشتن مترجم» در دادرسی‌ها و تضمینات فقه پایه آن

سیدمحسن قائمی خرق^۱، اردوان ارژنگ^۲، سمیه آقایی نژاد^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق بشر و محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: m.ghaemi313@sbu.ac.ir
۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الاهیات، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانه: arzhang@yu.ac.ir
۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله حائری میبدی، یزد، ایران. رایانامه: aghahi.somayeh@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

کلیدواژه:

ترجمه،

حق بر داشتن مترجم،

حقوق دادرسی،

دادرسی عادلانه.

حضور مترجم در رسیدگی‌های قضایی هنگام نیاز طرف‌های دعوا امری بایسته است. به این مهم در قالب حق برخورداری از مترجم در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی و فقه امامیه توجه شده است. اما صرف توجه به این حق بدون در نظر گرفتن تضمینات آن، از جمله ضمان کیفری مستقل برای مترجم، حقوق طرفین دعوا و هدف حکمرانی قضایی شایسته را تأمین نمی‌کند. بر اساس فرضیه این نوشتار، به نظر می‌رسد فقه امامیه مجموع ابعاد فوق (اعم از شناسایی حق بر داشتن مترجم و ضمان مدنی و کیفری ناشی از ترجمه نادرست به منظور حمایت از حق اصحاب دعوی دارای معلولیت یا دارای زبان بیگانه) را مد نظر قرار داده است. این جستار به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای نگاشته شده و به واکاوی حق داشتن مترجم و تضمین آن از رهگذر بررسی ادله مسئولیت مترجم و در نظر داشتن مسئولیت مطلوب کیفری در فقه امامیه پرداخته است. با توجه به سکوت قوانین کیفری ایران، این نوشته، ضمن تحلیل فقهی ترجمه و بیان شقوق مسئولیت کیفری در فقه امامیه، لزوم پیش‌بینی آن در حقوق داخلی را پیشنهاد داده است.

استناد: قائمی خرق، سید محسن؛ ارژنگ، اردوان و آقایی نژاد، سمیه (۱۴۰۴). «حق بر داشتن مترجم» در دادرسی‌ها و تضمینات فقه پایه آن. پژوهش‌های فقهی، ۲۱ (۱)، ص ۱-۱۴. <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380982.1009499>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380982.1009499>



مقدمه

«حق بر داشتن مترجم» در پیوست با تضمین حق بر دادرسی عادلانه بایسته‌ای است که با شکل‌گیری دولت‌های مدرن و تحولات حقوق کیفری مهم‌تر و ضروری‌تر شده است. نقض آن رویه دادرسی عادلانه- به‌ویژه آن‌گاه که هر یک از طرفین قادر به فهم زبان دادرسی نباشند یا لال و ناشنوا باشند- را خدشه‌دار می‌سازد. همان میزان که مترجم می‌تواند با ترجمه صحیح و مطابق واقع به دادرسی عدل‌مبنا مدد رساند، عدم رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای ترجمه و بیان اظهارات خلاف واقع موجب نفی حقوق طرفین و نقض اصول دادرسی عادلانه می‌شود. از همین رو توجه به تضمینات حقوقی در کنار شناسایی اصل حق بر داشتن مترجم امری ضروری و لازم می‌نماید. بنابراین، مسئله اصلی این است که در فقه امامیه چه تضمیناتی برای حق داشتن مترجم پیش‌بینی شده است.^۱

تاکنون نوشتاری فقهی درباره ماهیت ترجمه و حق بر داشتن مترجم و تضمینات آن نوشته نشده است و تنها اثر نگاشته‌شده به زبان فارسی (پیری، ۱۴۰۲: ۹۳ - ۹۳) نیز فقط به حق بر ترجمه در حالت تنوع زبانی و در حالت دادرسی‌های کیفری بین‌المللی پرداخته و به رویکرد حقوق داخلی و فقهی و مبانی و تضمینات حق بر ترجمه و نیز نگاهی عام‌الشمول در وضعیت افراد دارای معلولیت بی‌توجه مانده است. اهمیت و فایده این نوشتار برای نظام حقوقی ایران از آن روست که این نظام حقوقی دارای ضعف و موارد سکوت است و طبق اصل ۱۶۷ باید با رجوع به منابع معتبر فقهی تحلیل شود. مثلاً، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صراحتاً در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ بازپرس را مکلف به تعیین مترجم رسمی یا مورد وثوق برای همه طرف‌های رسیدگی کیفری- اعم از متهم، بزه‌دیده، شاهد، و ...- در طول مدت تحقیقات مقدماتی کرده است. البته مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون تنها ناظر به تحقیقات بازپرس است و شامل تحقیقات ضابط دادگستری نمی‌شود و قانون به برخورداری شخص مظنون تحت نظر ضابط دادگستری از چنین حقی، حتی در زمان تفهیم اتهام، تصریح ندارد. مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون یادشده نیز تعیین مترجم در دادرسی کیفری را (برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به تکلم به زبان فارسی نباشند یا ناشنوا باشند یا قدرت تکلم نداشته باشند) در موارد لزوم تکلیف دادگاه دانسته است؛ ولی کیفیت این انتخاب نیازمند توجه به ملاحظات فقهی است که در این نوشتار بیان خواهد شد.

در نظام فقهی عامه، در خصوص مسئولیت کیفری مترجم، این وضعیت را به ضامن بودن طبیب جاهل به قواعد طب یا طبیب عالم که تفریط کرده قیاس کرده است. اما در جایی که طبیب (و بالتبع مترجم) حاذق است، ولی تفریط و تعدی نکرده است، بر پایه قیاس به خطای طبیب و حجامت‌کننده حاذق غیر متعدی و غیر مفرط بر این مترجم ضمانی نخواهد بود (واصل، ۱۴۳۹: ۷۴۹). در برخی کشورهای اسلامی، مانند مصر، ترجمه از حیث جایگاه کیفری حکم کارشناسی را دارد (مراد، بی‌تا: ۳۰۳). ولی در نظام حقوقی اردن بنا بر ماده ۲۱۹ قانون العقوبات (رقم ۱۶) (مصوب ۱۹۶۰) در صورتی که مترجم از روی عمد در پرونده‌ای حقوقی یا کیفری ترجمه‌ای نادرست ارائه دهد مسئولیت کیفری کارشناس (ماده ۲۱۸ همین قانون) بر او بار می‌شود. بنا بر این ماده، اگر دادگاه کارشناسی را در پرونده‌ای تعیین کند و جزم پیدا کند که کارشناس با وجود اطلاع از حقیقت، به‌عمد،

۱. در زمینه راهبردهای نظام‌های حقوقی و فقهی دیگر گفتنی است در نظام حقوقی ایالات متحده در صورتی که مترجم یا ترجمه نادرست تأثیری در دادرسی داشته باشد، از حیث کیفری، عنوان مسئول مستقل کیفری خواهد داشت و بسته به مورد به مجازات‌های مختلفی از جمله مجازات جعل سند محکوم می‌شود. مثلاً، در دعوای ایالات متحده آمریکا علیه رامریز (Ramriez)، که وی توسط شرکتی استخدام شده بود، ایشان در روند استخدام شرکت کمک کرده بود تا بیگانگان غیر قانونی فرم شرایط استخدام را پر کنند. رامریز به ترجمه فرم‌ها و سایر مدارک مرتبط به استخدام کمک کرده بود. او شخصاً عبارت ذیل فرم‌ها را که بیان می‌داشت: «من گواهی می‌دهم که با آگاهی از مجازات شهادت دروغ اقدام به تکمیل این فرم‌ها کرده‌ام و با آگاهی کامل درستی و صحت این اطلاعات را تأیید می‌کنم» ترجمه کرده بود. خانم رامریز متهم به همکاری آگاهانه با کارکنان بالقوه در فراهم کردن اسناد جعلی برای استخدام شد. او در دادگاه چنین استدلال کرد که نمی‌دانسته اسناد جعلی بوده و این اسناد را برای بیگانگان غیر قانونی فراهم کرده است و همچنین این قرارداد محدود به صدور گواهی‌نامه است که او اطلاعات دقیق آن را در فرم‌ها ترجمه کرده است. خانم رامریز به تقلب در صدور گواهی‌نامه و شهادت دروغ محکوم شد. هیئت منصفه به این نتیجه رسید که خانم مترجم به دلیل کمک در ارائه گواهی‌نامه جعلی در فرم‌ها مسئول است. (U. S. V. Ramriez, 2001: WL 488654 (6cir, Feb. 14, 20n)). در برخی کشورهای دیگر، مانند ایتالیا، گرچه حتی شرایط حداقلی و ضروری برای پذیرش مترجمان در دادگاه‌ها و نیز مسئولیت کیفری مترجم مورد توجه قانون‌گذار دادرسی کیفری ۱۹۸۸ (The 1988 Code of Criminal Procedure) نبوده است (Niska, 1995: 294)، در رویه دادگاه‌های این کشور، ترجمه را به دلیل وجه کارشناسی آن مشمول مسئولیت کیفری کارشناس (Expert witnesses) می‌دانند (برای مطالعه دلایل این همسان‌نگاری ← Sau, 2010, 24-27; Longhi, 2004, 3 and Curtotti Nappi, 2002, 279-291).

حقیقت را وارونه جلوه داده یا از آن تأویلی نادرست ارائه کرده است، مترجم را به حبس از ۳ ماه تا ۳ سال محکوم و به طور کلی وی را از کارشناسی در پرونده‌های بعد محروم می‌کند. همچنین در صورتی که پرونده مورد نظر از پرونده‌های کیفری باشد، به محکومیت‌های سخت و موقت محکوم می‌شود. نظام حقوقی اردن با اینکه از حیث مسئولیت کیفری مترجم را به کارشناسان و اهل خبره ملحق کرده، در خصوص موارد معافیت از مسئولیت کیفری، بنا بر ماده ۲۲۰، ترجمه را در حکم شهادت زور (ماده ۲۱۶) دانسته است.

همچنین، طبق بند «و» ماده ۶ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم، مصوب ۱۳۱۶، در صورتی که ترجمه و تصدیق مترجم خلاف واقع باشد، مجازات انتظامی (محرومیت از مترجمی رسمی) در نظر گرفته می‌شود و طبق این مقرر مجازات درج شده در تبصره «ماده ۴۶ آیین‌نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم مصوب ۱۳۱۶»، در فرض عمدی بودن عمل مترجم، تعقیب مطابق با ماده ۲۸ قانون درباره کارشناسان رسمی، مصوب ۱۳۱۷، قابل تسری به مترجم است.

ولی به نظر می‌رسد مجازات بیان شده فارغ از شناسایی ماهیت فقهی عمل ترجمه و رویکردهای تطبیقی به عمل مترجم است. افزون بر اینکه عمده‌تاً وجه انتظامی و حرفه‌ای در آن‌ها لحاظ شده است و نیز به طور دقیق (و برخلاف حقوق موضوعه) نمی‌توان «مترجم» را «کارشناس» به شمار آورد و مجازات کارشناس را به مترجم تعمیم داد (گرچه ترجمه دارای وجهی از کارشناسی است). این مطالب حاکی از اهمیت و ضرورت این نوشتار فاقد پیشینه تحقیق است. در نوشتار پیش رو، ابتدا به جایگاه حق بر داشتن مترجم در مباحث حقوق بشر پرداخته می‌شود و پس از آن ماهیت فقهی ترجمه و تضمینات کیفری و مدنی مختلف بر پایه آن طرح می‌شود.

حق بر داشتن مترجم در مباحث حقوق بشر

بر اساس شق «الف» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر متهم به جرم کیفری یا طرف دعوا در دادرسی‌های اداری و مدنی اگر در صحبت کردن، فهمیدن، خواندن زبان دادگاه مشکل داشته باشد، حق دارد از مساعدت مترجم رایگان واجد صلاحیت و ترجمه‌ای منطبق با شروط انصاف برخوردار شود و همچنین حق دارد اسناد و مدارک او ترجمه شود (در این میان، این دیدگاه وجود دارد که زبانی که متهم کاملاً درک کند لزوماً زبان مادری او نیست) (صابر، ۱۳۸۸: ۲۵۲). همین مقرر در ماده ۶ (بند ۳) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز تصریح شده است.

حق برخورداری از مترجم در همه مراحل دادرسی کیفری اعمال می‌شود؛ از جمله در طول بازجویی‌های پلیس و تحقیقات اولیه. مترجم صرف‌نظر از نتیجه محاکمه باید به صورت رایگان فراهم شود.^۱ این اصل (دریافت رایگان مساعدت) بعدها به «مستندات» نیز توسعه داده شد. البته این وظیفه محدود به اسنادی است که متهمان باید برای دادرسی عادلانه آن را درک کنند.^۲ گفتنی است اگر متهم زبان دادگاه را به طور مناسب صحبت می‌کند یا می‌فهمد، اما ترجیح می‌دهد به زبان دیگری صحبت کند، مقامات ملزم نیستند برای متهم مترجم رایگان فراهم کنند (طه، ۱۳۸۶: ۲۰۵). حق فوق شرط ضروری تحقق حقوق دیگری در فرایند دادرسی نیز به شمار می‌آید؛ از جمله:

یک. حق فوری اطلاع متهم از اتهام وارده و دلایل آن (حق تفهیم اتهام) (مندرج در جزء «الف»، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۹ همین سند، نیز بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر)، به معنای اعلام رسمی رفتار یا رفتارهای مجرمانه به متهم و اوضاع و احوال زمان ارتکاب و شواهد و دلایل علیه متهم از سوی بازپرس یا مقام قضایی یا ضابط دادگستری (سارنوالی) به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک و فهم باشد.

دو. حق دفاع و داشتن وکیل مدافع (مندرج در قسمت «د» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

1. See: Eur. Court. H.R., Luedicke, Belkacem and koc v. Germany, 28 November 1987, A.29, & 46.

2. See: Eur. Court. H.R., Kamassinski v. Austria, 19 December 1989: A. 168 & 74.

با نگاهی به اسناد حقوق بشری (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، به نظر می‌رسد «حق برخورداری از مترجم» در زمره حق‌های رویه‌ای قرار دارد؛ به این معنا که این حق و مقسم آن از این جهت واجد ارزش هستند که برای تحقق و اعمال حق‌های ماهوی ضروری هستند (Garner, 2004: 25) و صرفاً جهت محاکمه عادلانه و عدم تعرض به فرض بی‌گناهی پیش‌بینی شده‌اند. از منظری دیگر، این حق را می‌توان در معنای «ادعا» در تقسیم اربعه هوفلد^۱ از حق (حق در معنای ادعا، آزادی، قدرت، مصونیت) تحلیل کرد. بر این اساس، حق بر داشتن مترجم در معنای ادعا پیوندی وثیق با تکلیف متقابل دارد. به زبان دقیق‌تر می‌توان گفت لازمه حق ادعا وجود وظیفه در طرف مقابل است^۲ (Simmon, 1994: 92). از جمله وظایفی که بر دوش دولت در اثر وجهه «ایجابی این حق» قرار می‌گیرد لزوم «اجرا» و «تضمین» این حق از رهگذر تنظیم مسئولیت مدنی در قبال خطای در ترجمه و نیز کیفرگذاری در برابر عمل ترجمه خواهد بود.

ماهیت فقهی ترجمه

ترجمه از حیث معنایی در دو رویکرد مختلف به «اخبار» و «تبدیل و تفسیر» فهم شده است. در دسته نخست، برخی مانند جوهری (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۲) و ابن‌منظور (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۶۶) و دیگر معجم‌نویسان ترجمه را به «خبر دادن به قاضی به معنای نهفته در لسان مدعی [ناشنا به زبان قاضی]» (دسوقی، ۱۴۲۳، ج ۱۷: ۳۶) معنا کرده‌اند. در مقابل، برخی دیگر ترجمه را از قبیل «تبدیل زبانی به زبان دیگر نزد قاضی» (علیش، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۵۶)، «تفسیر زبانی به زبان دیگر» (دسوقی، ۱۴۲۳، ج ۱۰: ۲۲۸؛ جمل، بی‌تا، ج ۱۰: ۶۵۷؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۷۴۶؛ بستانی، بی‌تا: ۱۷۳؛ حجاوی، ۱۴۱۸، ج ۲۲: ۳۰۹؛ Newmark, 1988: 5) معنا کرده‌اند.^۳

افزون بر رویکرد معناشناسانه فوق، شیخ طوسی می‌گوید: «ترجمه در نزد عده‌ای ماهیت شهادت دارد و از این رو در حجیت آن نیازمند لحاظ عدد، عدالت، حریت، و الفاظ لازم در شهادت است». این نظریه را برخی فقها از جمله شیخ طوسی نظریه احوط در فقه امامیه دانسته‌اند و دلیل آن را نیز اجماع بر عمل به ترجمه بیان کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۱۰۳). نظر برخی دیگر آن است که ماهیت ترجمه «خبر» است و شهادت محسوب نمی‌شود و از این رو در قبول آن وجود یک نفر کفایت می‌کند. دلیل این نظریه آن است که در قبول ترجمه لفظ شهادت شرط نیست (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۲۷۱).

نتیجه پذیرش دیدگاه اول تفاوت در حداقل تعداد شهود است؛ به این معنا که اگر ترجمه ناظر به امور مالی یا در حکم مال باشد، با شهادت دو شاهد عادل یا یک شاهد مرد و دو شاهد زن ثابت خواهد شد و اگر از مواردی باشد که جز با شهادت دو مرد ثابت نمی‌شود مانند نکاح، نسب، و عتق تنها با حضور دو مترجم عادل اثبات‌پذیر است. همچنین اگر حد زنا باشد، اصل زنا تنها با حضور چهار مترجم عادل ثابت خواهد شد. در این خصوص برخی دیگر گفته‌اند با دو مترجم عادل ثابت خواهد شد. چون اقرار محسوب می‌شود. برخی دیگر با حضور چهار نفر زنا را ثابت می‌دانند. زیرا چنین امری اقرار به فعل است و با ترجمه زمانی امری ثابت خواهد شد که شرایط زمانی که به طور عادی آن فعل ثابت می‌شود ثابت شود؛ مانند اقرار به قتل (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۱۰۳).

در نظر گروهی دیگر، ترجمه تنها با شهادت دو شاهد عادل پذیرفته می‌شود. چون ترجمه شهادت تلقی می‌شود (زرکشی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۳۸۱). شافعی نیز بر این نظر است (الموردی، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۱۷۷). برخی همچون ابوحنیفه و ابویوسف بر این

1. Hohfeld

۲. مراد از حق در معنای آزادی آن است که نظام حقوقی برای افراد امتیازهایی قائل می‌شود و بهره‌مندی از آن امتیازها لزوماً تکلیف فرد سوم را در پی ندارد؛ مانند حق انتخاب شغل یا شرکت در انتخابات (Rainbolt, 2006: 8). حق در معنای قدرت به معنای قدرت و توانایی انجام دادن کاری است؛ مانند حق مدعی بر اقامه دعوا یا حق انسان برای وصیت کردن. مراد از حق در معنای مصونیت نیز به معنای حمایت جلوگیری از اعمال قدرت دیگران نسبت به صاحب حق است؛ نظیر حق پیوستن کارگر به اتحادیه‌های کارگری یا حق انسان نسبت به حیثیت و حرمت خود (Waldron, 1984: 16).

۳. در زبان‌های دیگر، معانی بیشتری برای ترجمه آمده است؛ از جمله آنکه حتم و ماندی ترجمه را «فرایند انتقال یک متن نوشته‌شده از زبان مبدأ (SL) به زبان مقصد (TL)» تعریف می‌کنند (Hatim & Munday, 2004: 6). البته اینان به‌صراحت بیان نمی‌کنند که شیء انتقال‌شده معنی یا پیام است. تأکید آن‌ها بر ترجمه به عنوان یک فرایند است. دیگران بر این باورند که ترجمه شامل تولید مثل در زبان گیرنده در قالب نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام منبع است و اینکه ترجمه به طور دقیق به اشکال زبان‌ها و معانی و همبستگی آن‌ها مربوط است (Nida & Taber, 1982: 6).

عقیده‌اند که در قبول ترجمه شهادت واحد کفایت می‌کند. چون در آن نیازی به لفظ شهادت نیست و خبر محسوب می‌شود (در دیر، بی‌تا، ج ۲: ۴۹۷). ابن‌منذر نیز در حدیث زید بن ثابت گفته است: «رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زید را امر نمود که زبان بپهود را فراگیرد. زید می‌گوید که وقتی حضرت در صدد نامه‌ای برای بیهود بود برای ایشان می‌نوشتیم و وقتی آنان نامه‌ای می‌فرستادند برای ایشان می‌خواندم». افزون بر این از آنجا که این مسئله از اموری است که نیازمند لفظ شهادت نیست، بنابراین، در آن فرد واحد کفایت می‌کند؛ مانند اخبار از دیون (صعدی، ۱۴۲۲، ج ۶۴: ۲۴۴).

در میان فقهای شیعه، علامه حلی نیز در قواعد می‌نویسد: «ضرورت دارد مترجم دو نفر عادل باشد.» (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۲۸). فاضل هندی در شرح قواعد چنین می‌نویسد: «زیرا قول آن دو نفر شهادت محسوب می‌شود و از این رو دو نفر کفایت می‌کند؛ هرچند که موضوع ترجمه آن‌ها زنا باشد و وجود یک مرد و دو زن کفایت نمی‌کند؛ هرچند که در موضوع ترجمه این حالت کفایت داشته باشد.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۸: ۳۱۷).

بنابراین چند دیدگاه از مجموع عبارات فقها برداشت می‌شود.

دیدگاه نخست: ترجمه روایت و اخبار است و در آن شرایط روایت و اخبار جاری و ساری است؛ از جمله آنکه قول شخص واحد در آن کفایت می‌کند (بنا بر شرطیت عدالت شخص یا عدم شرطیت آن بنا بر نظراتی که در این خصوص وجود دارد) و لفظ شهادت نیز در آن لازم نیست. بنا بر این نگرش، در صورتی ترجمه یک نفر کفایت می‌کند که حجیت خبر واحد، فراتر از شمول حجیت در احکام کلی، در موضوعات خارجی نیز پذیرفته شود. چون بنا بر برخی انگاره‌ها مقتضای عمومیت حجیت خبر حجیت خبر واحد در همه موضوعات است. ولی از آنجا که دلیل خاص بر شرطیت تعدد در باب منازعات و خصومات نزد حاکم وجود دارد، ترجمه از عموم حجیت خبر خارج می‌شود. از ادله دیگر این نظریه، که در نهایت به ماهیت اخباری بودن ترجمه منتهی می‌شود، تفاوت‌های میان خبر و ترجمه است؛ از جمله اینکه خبر - برخلاف ترجمه - لزوماً مسبوق به دعوا نیست. گویی تفاوت یکی در این است که با وجود ترجمه حکم مترتب می‌شود و با نبودش حکم وجود نمی‌یابد. دیگر اینکه اگر ماهیت دلیلی چنین باشد که صرف حکایت آن حجیت داشته باشد، ترجمه اخبار تلقی می‌شود. اما اگر اطلاع فرد در اعتبار حکایت از واقع مدخلیت داشته باشد، شهادت تلقی می‌شود (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۵: ۱۶۵). البته برخی از اندیشمندان فقه به تفاوت نخست به دیده تردید نگاه کرده‌اند و گفته‌اند که شهادت لزوماً در امر خصومت نیست؛ مانند شهادت به رؤیت هلال و خمریت مایع خاص (عراقی، ۱۴۲۱: ۵۶).

با توجه به این تغایر، در صورت تردید در ماهیت ترجمه، حکم هیچ‌یک از احتمالات در مورد ترجمه جاری نمی‌شود؛ مگر آنکه گفته شود موضوع حجیت در باب شهادت مفهوم شهادت است و نیز اینکه مفهوم روایت موضوع حجیت نیست؛ بلکه موضوع خبر عادل است. با این نگاه، نسبت میان اخبار و شهادت عموم و خصوص مطلق خواهد بود. در نتیجه، هر خبر عادل حجت خواهد بود، بدون اینکه تعدد در آن شرط باشد؛ مگر در خصوص شهادت که مشروط به تعدد است. حال در صورت شک در ماهیت مترجم و عمل ترجمه، این شک از قبیل شبهه مفهومی و شک در مفهوم مخصص لفظی مجمل خواهد بود. زیرا دلیل شرع تنها دلالت بر شرطیت تعدد در آن چیزی است که قاضی «به استناد آن» حکم می‌کند و دلیلی بر شرط بودن تعدد در هر چیزی که از باب شهادت باشد یا در قضاوت قاضی دخیل باشد وجود ندارد. این دقت، ولو آنکه محتمل دانسته شود، در جایی که اطلاقی موجود نباشد، مخصص مجمل مفهومی خواهد بود و تمسک به عموم حجیت خبر واحد، از قبیل تمسک به عام، در شبهه مفهومی خواهد بود که در اینجا به دلیل منفصل بودن مخصص جایز است. بنابراین باید ماهیت ترجمه را اخبار و کارشناسی دانست.

دیدگاه دوم: ترجمه شهادت بر دعوای ادعاشده محسوب می‌شود؛ خواه متعلق به اموال و حقوق مالی باشد خواه زنا خواه غیر این‌ها. بنابراین هر آنچه در شهادت بر این امور، از جمله کفایت شاهد واحد با سوگند یا لزوم چهار شاهد یا شرایط دیگر، لازم باشد، در ترجمه این موضوعات نیز شرط است. شهید ثانی از این جهت ترجمه را از قبیل شهادت می‌داند که «مترجم قولی را برای قاضی نقل می‌کند که قاضی از آن اطلاعی ندارد و این همان معنای شهادت است، بلکه مصداقی از آن است.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳: ۳۹). صاحب جواهر عرفاً شهادت را غیر از خبر و این دو را از یک‌دیگر متباین مفهومی می‌داند. ثانیاً عمده دلیل حجیت خبر واحد سیره (دلیل لبی) است و قدر متیقن از آن غیر ترجمه است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۰۹). افزون بر این نمی‌توان

با تمسک به آیه نباء وحدت مترجم و شاهد نبودن مترجم را برداشت کرد. زیرا منافاتی بین مفاد آیه (عدم وجوب تبیین هنگام خبر عادل) با تعدد مخبر بنا بر دلیل خاص دیگری وجود ندارد.

برخی بر ماهیت شهادت‌گونه و لزوم تعدد به روایاتی از جمله موثقه مسعده بن صدقه استناد کرده‌اند: «هر چیزی بر تو حلال است تا زمانی که علم به حرمت آن بیابی... و جملگی اشیا بر این حکم هستند تا اینکه بر تو خلاف این وضعیت آشکار شود یا آنکه بینه‌ای برخلاف آن اقامه شود.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۸۹). گویی موثقه بر عدم اثبات هر موضوعی دلالت دارد؛ مگر آنکه منحصرأ علم یا بینه به خلاف آن یافت شود. در موضوع مورد بحث نیز، قبل از ترجمه، دو شاهد نزد حاکم اقامه نشده است. بنابراین، حاکم بر اساس موازین جاری در موارد عدم قیام بینه حکم می‌کند. همچنین در مواردی که عادل واحد یا دو ثقة غیر عادل یا یک عادل و یک ثقة ترجمه کنند، عدم قیام بینه محرز است. روایت دیگر از امام رضا علیه‌السلام در بیان علت اذان است که به این مینا نیز اشاره فرموده‌اند: «أصل الإیمان إنما هو الشهادتان؛ فجعل الأذان شهادتین شهادتین، كما جعل فی سائر الحقوق شاهدان.»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۲۳۷). بر اساس قسمت اخیر این روایت نیز ثبوت هر حقی باید به واسطه دو شاهد باشد. از این رو اکتفا در ترجمه به مترجم واحد خلاف نص خواهد بود. فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «إنما أفضی بینکم بالبینات و الایمان» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۲۳۸) نیز توقف اثبات موضوعات به بینه (در مورد تنازع در باب قضا) را می‌رساند و موجب انصراف ادله حجیت خبر واحد به غیر باب قضا می‌شود (مؤمن قمی، ۱۴۲۲: ۵۰).

البته دلیل انصراف تنها در ادله لفظی جاری است و در بنای عملی عقلا، که عمده دلیل حجیت خبر واحد است، لفظی وجود ندارد که انصراف رخ دهد. همچنین به نظر می‌رسد ظاهر این احادیث حصر نمودن امر «فصل خصومت» به بینه باشد. ولی دلالتی بر این ندارد که سایر امور مربوط به قضاوت، مانند تعیین مدعی و منکر یا رجوع به خبره و مترجم و غیر آن، نیز باید به واسطه بینه یا در قالب احکام بینه باشد.

دیدگاه سوم: ترجمه شهادت بر اقراری است که در قالب تکلم یا نوشتار به زبان اجنبی مطرح شده است یا شهادت بر شهادت در قالب تکلم یا نوشتار به زبان اجنبی است. ابن‌قدمه نیز در تعلیل نظریه «ترجمه در حکم شهادت بر اقرار» می‌گوید مترجم آن چیزی را که بر حاکم مخفی است و آن را نمی‌فهمد برای او نقل می‌کند؛ چیزی که وجودش به دلیل عدم فهم قاضی مانند عدم است. بنابراین ترجمه مترجم مانند نقل اقرار خارج از جلسه دادگاه برای حاکم است. از این رو، ترجمه شهادت بر اقرار محسوب می‌شود و باید شرایط آن رعایت شود. مثلاً در حد زنا باید ۴ مرد عادل آزاد باشند و بنا بر نظر دیگر دو نفر کافی است (ابن‌قدمه، ۱۴۰۳، ج ۱۱: ۴۵۱).

بنابراین در این بیان از ماهیت ترجمه، هر آنچه در «شهادت بر شهادت» و «اقرار» معتبر است باید رعایت شود. توضیح آنکه در فرض «شهادت بر اقرار» ضروری است که مترجم بیش از یک نفر و همه عادل باشند. ولی در فرضی که «شهادت بر شهادت» به زبان خارجی بیان شده است هر آنچه در شهادت بر شهادت گفته می‌شود رعایت می‌شود؛ از جمله آنکه اگر در شهادت بر شهادت لفظ شهادت شرط باشد باید در ترجمه نیز لفظ شهادت ذکر شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۶۰). از این رو در ترجمه شهود زنا که در آن تعداد شهود چهار عادل است به دو مترجم عادل اکتفا می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰: ۱۰۶).

دیدگاه چهارم: دیدگاه دیگر بر اساس «تعریف لغوی ترجمه» آن را تبدیل لفظ بیگانه‌ای که قاضی معادل آن را نمی‌فهمد می‌داند و مبتنی بر آن ترجمه را نه شهادت و نه کارشناسی می‌شمارد که صدق و کذب آن نیز بسته به حصول اطمینان به غلط یا صحیح بودن ترجمه است.^۳ این دیدگاه حقیقت جایگاه مترجم را، نظیر رجوع به کتب لغت یا اهل خبره در امور مختلف، امری مبتنی بر سیره عقلا قلمداد می‌کند که شارع در آن طریقی ابتکاری ایجاد نمی‌کند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۶۱) و مفهومی مستقل است که قانون‌گذار کیفی باید در خصوص آن مجازاتی مستقل (تعزیر) تأسیس کند. اما در خصوص رویکرد مختار در

۱. «عَلَىٰ بَنِ إِزْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّىٰ تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ ... وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَىٰ هَذَا حَتَّىٰ يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقَوْمَ بِهِ الْبَيِّنَةُ».

۲. ترجمه: «منشأ ایمان دو شهادت است. خداوند در اذان دو شهادتین قرار داد؛ همچنان که برای همه حقوق دو گواه قرار داد».

۳. در نظر فقها، مفهوم ترجمه تأثیر مهمی در شناسایی ماهیت فقهی آن دارد؛ از جمله محقق آشتیانی بنا بر اینکه ترجمه به «اخبار از ثبوت امری که در مظان انکار باشد» معنا شود ماهیت ترجمه را بدون تردید از قبیل شهادت می‌داند (آشتیانی، ۱۳۶۹: ۶۰).

این نوشته به نظر می‌رسد باید ماهیت ترجمه را متأثر از اثر مترتب بر آن تعریف کرد و یکسره ماهیتی واحد برای آن در نظر نگرفت که تفصیل این نظر در قسمت چهارم نوشتار خواهد آمد.

ادله تضمین «حق بر داشتن مترجم» و ملاک‌ها و مناطهای مؤثر بر آن

در ذیل دلایل شناسایی حق بر داشتن مترجم مطرح می‌شود و پس از آن نیز ملاک‌ها و مناطهای مؤثر بر تضمین این حق بررسی خواهد شد.

ادله تضمین حق بر داشتن مترجم

برخورداری از حق بر داشتن مترجم، در مواردی، تنها ضامن مواجهه برابر با اطراف دعواست و حق بر داشتن مترجم وجه دیگری از اصول عدالت و «برابری سلاح‌ها» یا ابزارهای دفاع در فرایندهای کیفری است.^۱ به عبارت دیگر، یکی از مقتضیات اصل کرامت انسانی حق بهره‌مندی از «محاکمه عادلانه و منصفانه» است. از این رو حق‌های بشری مبتنی بر کرامت انسانی اصولاً و علی‌القاعده باید تحقق بیابد؛ از جمله حق دادخواهی نسبت به معلولان و اقلیت‌های زبانی که شرط تحقق آن «حق برخورداری از مترجم» است.

همچنین به پشتوانه کرامت و اقتضات آن می‌توان از طریق کیفرگذاری عمل ترجمه «حق برخورداری از مترجم» را تضمین کرد. می‌توان همین اثر را از مبنای حمی (محدوده مورد حمایت شارع) انتظار داشت. در حقیقت، عدالت در حکمرانی قضایی و فرایند دادرسی بدان حد از اهمیت است که شارع همه وقایع پیرامونی (از جمله عمل ترجمه) را چنان مورد حمایت‌های مختلف از جمله حمایت کیفری قرار می‌دهد تا عدالت محقق شود. از این رو مسئولیت کیفری و انتظامی مترجم به منظور پاسداشت حق بر داشتن ترجمه امری هم‌سو با کرامت و عدالت و قاعده حریم حمی خواهد بود.

از باب حرمت تکلیفی- وضعی قول زور نیز آیات متعددی قابلیت تطبیق بر موضوع حاضر را دارند؛ از جمله: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^۲ (حج / ۳۰) و «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۳ (الفرقان / ۷۲). در تقریب استدلال به آیات فوق، برخی واژه‌شناسان «زور» را به معنای «تمایل یافتن» دانسته و «قول زور» را به دلیل تمایل از مسیر راست به مسیر باطل به «قول کذب» معنا کرده‌اند (راغب، ۱۴۱۶: ۳۸۶). در پاره‌ای روایات، مراد از «قول زور» شهادت به باطل دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷۶: ۲۳۹). البته شهادت به باطل یکی از مصادیق این کلی (قول زور) است و به معنای انحصار مفهوم آیه در این امور نیست. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ضمن خطبه‌ای فرمود: «ای مردم شهادت زور (به باطل) در ردیف شرک به خدا است». سپس این آیه را تلاوت فرمود: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷۶: ۲۳۹). این حدیث به وسعت و گستردگی مفهوم آیه نیز اشاره دارد. برخی از مفسران بزرگ نیز این آیه را بر وجه فوق تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۲۸۳). ظاهر آیه شریفه این است که هر دو قول شفاهی و کتبی در زمره «قول زور» قرار می‌گیرد. بی‌شک یکی از مصادیق قول زور عدم مطابقت قول با واقع است (خواه زور در آیه شریفه «کل الموضوع» باشد خواه «جزء الموضوع»). بنابراین می‌توان «ترجمه نادرست» را بر مبنای ظهور فعل امر «اجتنبوا» در وجوب اجتناب و ظهور نهی «لایشهدون» در تحریم قابل کیفر دانست.

«قاعده لاضرر» نیز می‌تواند به عنوان یکی از مبانی سزادهی در فقه بر تضمین حق بر داشتن مترجم منطبق شود. بر اساس این قاعده، می‌توان گفت هدف حقوق کیفری از سزادهی غیر متدارک نگذاشتن صدمه وارد شده به دیگران (از جمله مدعی علیه، مدعی، محیط، مخاطب متأثر از ترجمه) است. البته در این جرم‌انگاری باید به «اصل ضرورت جرم‌انگاری» و نیز «لزوم احراز صدمه فاحش» توجه شود. بنابراین نمی‌توان در تراجم «دفع مفسده» و «جلب منفعت» به «جرم و کیفر» به عنوان گزینه‌ای مطلوب نگریست. سزادهی مترجم، افزون بر آنکه ضرر وارد شده به نظام قضایی و فرایند دادرسی را تا حدی جبران می‌کند، بر

۱. اللجنة المعنية بحقوق الانسان التعلیق العام رقم ۳۲ من (2007) CCPR، الفقرة ۴۰.

۲. پس از پلید حقیقی یعنی بت‌ها اجتناب کنید و نیز از قول باطل (مانند دروغ و شهادت ناحق و سخنان لهو و غنا) دوری گزینید.

۳. و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل لغوی (از مردم غافل) بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند.

فرض آنکه قاعده لاضرر را از حیث اثبات حکم ایجابی ناتوان بدانیم (← نراقی، ۱۴۱۷: ۵۰)، با عدم ورود دولت به سزادهی مترجم، ضرری ایجاد خواهد شد که به موجب حکم سلبی قاعده لاضرر باید نفی شود.

مناطها و ملاک‌های مؤثر بر تضمین حق بر داشتن مترجم

البته در تحلیل مبتنی بر ملاک‌ها و مناط‌های مؤثر به نظر می‌رسد باید در شناسایی مسئولیت کیفری به تفاوت‌هایی توجه ویژه کرد که در قسمت چهارم این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.

نخست. تفاوت بین «مترجم اسناد و مترجم کسانی که به طور کامل قدرت تکلم به زبان رسمی محاکم را ندارند» با «مترجم افراد معلول در محاکم»^۱.

دوم. تفاوت بین «وضعیتی که یکی از متداعیین و یا هر دو مترجمی را با خود همراه می‌آورند» و «حالتی که دادگاه مترجم معرفی می‌نماید».

سوم. تفاوت بین «حالتی که ترجمه در صدور حکم مؤثر واقع شده» و «حالتی که ترجمه در حکم اثر نگذاشته و یا هنوز حکم بر مبنای ترجمه صادر نشده باشد».

چهارم. تفاوت بین «عمد» و «خطای» مترجم.

پنجم. در این فرایند، گاه مترجم آنچه را به واسطه «اشاره، الفاظ، فعل یا تقریر یا ترک فعل غیر» به دست آورده است به قاضی منتقل می‌کند؛ «المترجم للقاضی». گاهی دیگر، وی موافق و فرمانبر قاضی و در پی تنفیذ و اجرای مراد قاضی به صورت نقل محض و بدون دخیل ساختن اجتهاد فردی است؛ «المترجم عن القاضی» (مکی المالکی، بی‌تا، ج ۴: ۱۲۸).

تضمینات کیفری حق بر داشتن مترجم در فقه

در تحلیل تضمینات کیفری حق بر داشتن مترجم از منظر فقه کیفری، با توجه به پیوستگی تام میان «ماهیت فقهی ترجمه» و «مسئولیت کیفری ناشی از عمل ترجمه»، باید به انتخاب نظریه مختار دست زد. به نظر می‌رسد بتوان وجه جمع‌های گوناگونی میان دو نظریه مطرح در فقه شیعه (شهادت - إخبار) مطرح کرد؛ از جمله اینکه اگر موضوع ترجمه امری عام و غیر مختص به فردی معین باشد، در قالب «روایت محض» قابل تحلیل است و آثار آن از جمله کفایت وحدت مترجم و نیز تحقق مسئولیت کیفری «کذب در إخبار» جاری خواهد شد. اما در صورتی که مخبر عنه امری خاص و مختص به فرد معین یا قضیه مشخصی همراه با طلب ترافع و فصل اختلاف باشد، در این حالت، ترجمه وجهه «شهادت محض» دارد و «مسئولیت کیفری شاهد» با در نظر داشتن مناطات قسمت قبل جریان خواهد یافت. وجه دوم آن است که نمی‌توان ماهیت شهادت را برای ترجمه - از آن حیث که صرفاً مدخلیتی در حکم قضا دارد - در نظر گرفت؛ مگر آنکه از اخبار بیان شده در متن مقاله توقف ثبوت قضاوت در خصوص موردی به قیام بینه اصطیاد شود. در این موارد، ماهیت این قبیل ترجمه‌ها شهادت است و برای مرتکب آن مسئول کیفری شاهد در نظر گرفته می‌شود. همچنین «مشکلی در ثبوت بنای عقلا در شرطیت وجود دو عادل در مواردی که قضاوت و صدور حکم متوقف بر آن باشد وجود ندارد» (مؤمن قمی، ۱۴۲۲: ۵۰؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۹۲). وجه سومی نیز به عنوان نظریه این نوشتار می‌توان طرح کرد و آن اینکه مرجع را عرف قرار داد. بر این اساس نمی‌توان مطلقاً ترجمه را از قبیل شهادت یا کارشناسی و اخبار دانست. بر همین پایه در صورتی که بر ترجمه حکمی مترتب و اثبات شود شهادت خواهد بود. ولی اگر منظوری غیر از این باشد، از قبیل اخبار خواهد بود؛ مانند ترجمه سؤالی برای قاضی تا حکم آن را بازگو کند.

بنابراین در صورتی که عنوان «ترجمه» بر عنوان «شهادت» قابل انطباق باشد، به نظر می‌رسد در وضعیتی که مترجم مستخدم دستگاه قضایی و یا فراخوانده دستگاه قضایی باشد، در فرض عمد در ترجمه زور (مزورانه)، مسئولیت بر عهده شخص وی خواهد بود. در این صورت، بنا بر قاعده «تعزیر بما یراه الإمام رادعا» و «فلسفه بازدارندگی» (حلی، ۱۴۱۱: ۲۴۳)، حکومت

۱. از برخی آثار فقهی می‌توان این تفصیل را استظهار کرد: «از جمله اثر فقه الصادق که در خصوص ترجمه جواب معلولان صراحتاً مترجم واحد را غیر معتبر می‌داند. ولی در خصوص زبان اجنبی به بیان مترجم واحد کفایت می‌کند (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۵: ۱۶۵).

اسلامی وی را تعزیر می‌کند و حکم صادرشده بر مبنای ترجمه باطل خواهد شد. همچنین، در صورت امکان رجوع محکوم‌علیه (سابق) به محکوم‌له (سابق) مراجعه می‌کند و در غیر این صورت مترجم ضامن خواهد بود و در صورتی که مبنای صدور حکم قتل یا جرح یا حد نیز ترجمه نادرست باشد مترجم قصاص خواهد شد (مؤمن سبزواری، ۱۴۲۱: ۶۱۳).

اما در فرضی که مترجم حاذق و عالم، به صورت خطایی، ترجمه نادرست مبنای صدور حکم ارائه کرده باشد، دیه و غرامت از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. چه آنکه از باب خطای حکومت در خصوص مصالح تلقی می‌شود. در حقیقت، حاکم وکیل مردم در تصرفات است و مسئولیت خطای وکیل (از جمله خطای وکلای وکیل) بر عهده موکل و در این خصوص بر عهده بیت‌المال خواهد بود. البته در صورتی که ترجمه خود متضمن جرمی جداگانه باشد، مسئولیت آن بر عهده مترجم خواهد بود (مثلاً تحقق قذف در ترجمه).

در صورتی که مترجم افراد ناشنوا یا بیگانه انتخاب‌شده متهم یا مدعی باشد، در فرض عمد و به خطا کشاندن روند دادرسی، حکم صادرشده نقض خواهد شد و در صورت اجرا شدن حکم مسئولیت ناشی از اجرای حکم بر ذمه مترجم خواهد بود. افزون بر این‌ها امکان وضع تعزیر در حق این مترجمان وجود دارد. البته در خصوص مترجمان بنا بر ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم مصوب ۱۳۱۶ (اصلاحی ۱۳۸۴/۰۹/۰۸) مترجمان باید در حضور کمیسیون مندرج در ماده ۴ این قانون بدین شرح سوگند یاد کنند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کار نبرم و در سمت مترجمی رازدار و امین باشم». حسب این ماده به نظر می‌رسد گرچه در این قانون در خصوص نقض این سوگند و خطا در ترجمه مسئولیتی بیان نشده است، از باب نقض حلف و حث یمین، می‌توان مسئولیتی را برای مترجم در نظر گرفت. توضیح آنکه با توجه به آیه شریفه «وَ لَکِن یُّؤَاخِذُکُمْ بِمَا کَسَبْتُمْ قُلُوبُکُمْ»، سوگند این چنینی که همراه با قصد و شرایط صورت می‌پذیرد، در صورت عمل نشدن بدان، مورد مؤاخذة (یعنی گناه به شمار آمدن و تعلق کفاره) قرار می‌گیرد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۵۶۹)؛ همچنان که نقض این سوگند، بنا بر برخی روایات که فرد را از دین خارج می‌کند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۸۳)، می‌تواند صلاحیت مترجمی را از او سلب کند (خاصه اینکه اگر ماهیت ترجمه از مواردی مانند شهادت باشد که عدالت در آن شرط است).

در خصوص مترجمان آورده‌شده از سوی افراد نیز به نظر می‌رسد بنا بر تطبیق شهادت بر ترجمه و فلسفه تشهیر شهود فاسق در خصوص مترجمان، تشهیر «مترجمان زور»، به منظور سلب اعتماد عموم نسبت به این افراد، رأی صواب خواهد بود.

تضمینات قضایی و مدنی در قبال حق بر داشتن مترجم

البته فارغ از موضوع این نوشتار (تضمینات کیفری)، تضمینات دیگری در خصوص حق بر داشتن مترجم وجود دارد؛ از جمله «وجوب فوری» تدارک مترجم در «همه» مراحل دادرسی، نقض‌پذیری حکم قضایی مستند به ترجمه نادرست (در صورتی که اشتباه مترجم از سوی دادگاه مؤثر شناخته شود) (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۲۳۰)،^۱ اطلاق در شناسایی و اجرای حق (بدون تقیید نسبت به گروهی خاص مانند اتباع)، استثنای پذیرایی و تعلیق‌ناپذیری حق بر داشتن مترجم. همچنین ثبوت این حق برای افراد ارتباطی به نتیجه فرایندهای قضایی ندارد؛ به عبارت دیگر، در صورت رد درخواست مترجم از سوی شخص، حتی اگر حکم قضایی به نفع وی صادر شود، باز هم حقی از حقوق بشر وی نقض شده است.

از دیگر تضامین نسبت به حق بر داشتن مترجم در منابع فقهی، مسئولیت مدنی ناشی از ترجمه نادرست است. به عبارت دیگر اصولی کلی مانند «لاضرر» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۰۰) یا وجوب تدارک کامل اضرار و احترام و تضمین حق در فقه ایجاب می‌کند چنانچه در صورت نقض حق بر داشتن مترجم ضرری به شخص وارد آید، باید آن ضرر جبران شود؛ مشروط بر آنکه ضرر و زیان مسلم مستقیم و جبران‌ناشده باشد و رابطه علیت میان اشتباه مترجم و زیان حاصله نیز احراز شود. همچنین، این مسئولیت گاهی مسئولیت قراردادی (در صورت وجود قرارداد میان مترجم و یکی از خصوم) و در برخی حالات مسئولیت قهری است.

۱. در این خصوص صاحب جواهر می‌نویسد: «إذا ثبت أنهم شهدوا بالزور و علم الحاکم بذلك ولو بالخبر المفید له لا بالبینه لأنه تعارض ولا بالإقرار لأنه رجوع (نقض الحکم) لتبیین اختلال میزان الحکم، بل هو أولى بذلك من تبیین الفسق».

البته در خصوص مسئولیت قراردادی مترجم این نکته قابل بیان است که با توجه به جدید بودن قراردادهای ترجمه قضایی، برخی از حقوقدانان کشورهای اسلامی، اعمال ادبی و عقلی همانند ترجمه را به عنوان موضوع الزام تعهدآور قراردادی نپذیرفته و بنابراین مسئولیت قراردادی مترجم را منتفی دانسته‌اند (سوادی، ۱۹۹۹: ۱۲۳؛ شلبی، ۱۹۸۸: ۹۸). برخی دیگر آن را ذیل عقد فقهی اجاره اشخاص تحلیل کرده‌اند (جلال، ۲۰۱۷، ج ۲: ۳۷۱) و دسته سوم آن را از قبیل عقود غیر معین شرعی دانسته‌اند. چه آنکه نوعی استقلال فنی و اداری در آن وجود دارد که آن را از عقود معین متمایز می‌سازد و از سویی «اصل توقیفی نبودن عقود» (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۶۴۵؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱: ۲۹۸) نیز این تحلیل را تقویت می‌کند. به هر روی، در خصوص مسئولیت قراردادی مترجم، سنخ تعهد مترجم از قبیل «تعهد به وسیله» و به‌کارگیری امکانات و مهارت‌ها و اصول حرفه‌ای در زمینه ترجمه است (العمری، ۲۰۲۰: ۵۰) و در صورت اثبات اهمال مترجم از سوی خواهان ترجمه مسئولیت مترجم محقق خواهد شد.

چنانچه ترجمه به دعوت دادگاه باشد، هیچ‌گونه رابطه عقدی میان خصوم و مترجم نخواهد بود و مترجم از قبیل کارکنان قضایی و دستیاران قاضی است که به قاضی در ترجمه لغات و اشارات به منظور وصول به حکم صحیح در پرونده مطرح‌شده یاری می‌رساند (لیله، ۱۹۷۰: ۶۵۹) و به دلیل رفتار حاکمیتی نباید در قبال خطا در ترجمه مسئولیت مدنی شخصی داشته باشد و ضمان بر عهده بیت‌المال خواهد بود.

نتیجه

بر مبنای آنچه در مقاله بیان شد، حق بر داشتن مترجم از اصول رویه‌ای و حق‌های اساسی در فرایند دادرسی عادلانه برای اقلیت‌های زبان، بیگانگان، و افراد دارای معلولیت به شمار می‌رود که در اسناد مختلف حقوق بشری بدان تصریح شده است. اما رویکرد فقه به تضمین این حق در کنار نقصان نظام حقوقی ایران لزوم پردازش تحلیلی به مواضع فقه امامیه را ضروری می‌سازد؛ از جمله تضمینات این حق در کنار تضامین اجرایی مانند استثنانپذیری و تعلیق‌گریزی این حق، فوریت در آن و نقض حکم مستظهر به ترجمه نادرست، تضمین کیفی است. در بررسی‌های فقهی نیز دوگانه‌های متعددی در کیفردهی مترجم اثرگذار است؛ از جمله حالت عمد و خطای مترجم، تأثیرگذاری ترجمه در صدور حکم یا بی‌تأثیری آن، ترجمه اشارات معلولان و ترجمه لغات بیگانه و اسناد. توجه به مسئولیت انتظامی در کنار مسئولیت اخلاقی و کیفری و نیز تفکیک مسئولیت کیفری «مترجم معرفی‌شده از سوی اطراف دعوا» و «مترجم رسمی دادگستری» نیز امری مهم و ضروری است. تخلف از آیین حرفه‌ای ترجمه نیز، افزون بر آنکه به عنوان امری محل فرایند قضا شناخته می‌شود و نیازمند شناسایی مسئولیت کیفری است، باید دربردارنده مسئولیت انتظامی برای مترجم باشد (همانند تعلیق از سمت مترجمی رسمی در صورت اشتغال به مشاغل خلاف شئون مترجمی، مقرر در ماده ۵۲ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم).

در این میان، فقه اسلامی ترجمه را در کشاکش ماهیتی از دو نظریه عمده «اخبار و روایت» و «شهادت» (با وجود برخی دیدگاه‌های دیگر) می‌داند. نظریه نخست به ادله حجیت خبر واحد و تمسک به عام در شبهه استناد می‌کند. ولی نظریه دوم کارکرد ترجمه و معنای لغوی شهادت و اخبار وارد را مدنظر قرار می‌دهد. در نهایت به نظر می‌رسد با توجه به موضوع ترجمه از حیث عموم یا اختصاص به قضیه‌ای مشخص و نیز «توقف صدور حکم بر ترجمه یا فقدان چنین ارتباطی» و نیز مرجعیت عرف بتوان ماهیت ترجمه را مشخص کرد. بنابراین رویکرد نظام حقوقی ایران که تنها از جهت تخلف مترجم از اصول حرفه‌ای مجازات انضباطی مقرر کرده کافی به نظر نمی‌رسد و از سویی یکسان‌انگاری همه «ماهیت‌های» ترجمه نیز نسبت مطلوبی با تحلیل‌های فقهی این نوشته نخواهد داشت. به هر روی با توجه به «مناطها» و «وجه‌جمع‌ها»ی بیان‌شده در این مقاله، باید به تنظیم مجازات مترجمان توجه کرد. البته تضمینات فقهی تنها مجازات نیست و می‌توان به نقض حکم بر اساس ترجمه نادرست و نیز مسئولیت مدنی مترجم و نیز مسئولیت بیت‌المال نسبت به مترجم غیر مقصر و تعیین‌شده از سوی قاضی نیز اشاره کرد.

منابع

- ابن قدامه، عبدالرحمن (۱۴۰۳). *المغنی مع الشرح الكبير*. لبنان: دارالکتاب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة.
- آشتیانی، محمدحسن (۱۳۶۹). *کتاب القضاء*. تهران: رنگین.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریر المجله*. نجف اشرف: المکتبه المرتضویه.
- البستانی، بطرس (بی تا). *محیط المحيط*. لبنان: بی نا.
- پیری، حیدر (۱۴۰۲). تأثیر تنوع زبانی و حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی های کیفری بین المللی. *آموزه های حقوق کیفری*، دوره ۲۰، شماره ۲۵، ۹۳ - ۱۲۶.
- جلال، ناصر و آخرون (۲۰۱۷). *مسئولیه المترجم المدنیه عن اخطائه المهنيه*. جامعه تکریت للحقوق، مجلد ۲، العدد ۲.
- جمل، سلیمان (بی تا). *حاشیه الجمل علی المنهج*. بیروت: دارالفکر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). *الصحاح*. بیروت: دارالعلم.
- حجاوی الصالحی، موسی (۱۴۱۸). *کشاف القناع*. لبنان: دارالکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). *تبصره المتعلمین*. تهران: وزارت فرهنگ.
- _____ (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام*، قم: النشر الاسلامی.
- دردیر، احمد بن محمد (بی تا). *الشرح الكبير*. بیروت: دار احیاء الکتب.
- دسوقی، محمد (۱۴۲۳). *حاشیه علی الشرح الكبير*. بیروت: دارالفکر.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان*. مشهد: آستان قدس.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالشام.
- روحانی، سید صادق (۱۴۱۲). *فقه الصادق علیه السلام*. قم: دارالکتاب.
- زرکشی، شمس الدین (۱۴۲۳). *شرح علی مختصر الخرقی*. بیروت: دارالکتاب.
- سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳). *کفایه الاحکام*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- سوادی، عبدالباقی (۱۹۹۹). *مسئولیه المحامی المدنیه عن اخطائه المهنيه*. عمان: دار الثقافه للنشر و التوزیع.
- شلبی، محمدتوفیق (۱۹۸۸). *مسئولیه المحامی المهنيه، مدنی و جنائی*. اسکندریه: المکتب المصری الحدیث للطباعة، اسکندریه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف.
- صابر، محمود (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری بین المللی*. تهران: دادگستر.
- صعدی، محمد بن یحیی (۱۴۲۲). *المهدی لدین الله*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). *مجمع البیان*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- طه، فریده و دیگران (۱۳۸۶). *دادرسی عادلانه*. تهران: میزان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط*. تهران: مکتبه المرتضویه.
- _____ (۱۴۰۷). *الخلاص*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عراقی، آقا ضیاء الدین (۱۴۲۱). *کتاب القضاء*. قم: مؤسسه معارف امام رضا.
- علیش، محمد بن احمد (۱۴۰۹). *منح الجلیل*. بیروت: دارالفکر.
- العمری، نورخالد (۲۰۲۰). *المسئولیه المدنیه للمترجم القانونی فی القانون الاردنی*. الاردن: جامعه عمان الأهلیه.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *کشف اللثام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قاری، علی بن سلطان محمد (۱۴۲۲). *مرقاه المفاتیح*. بیروت: دارالفکر.

- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۵). *کتاب الشهادات*. قم: مؤسسه اهل‌البيت^(۴).
- _____ (۱۴۱۳). *کتاب القضاء*. قم: دارالقرآن الکریم.
- لیله، محمدکامل (۱۹۷۰). *الرقابه على اعمال الإدارة (الرقابه القضائيه)*. بیروت: دار النهضه العربيه.
- الموردی، أبو الحسن علی (۱۴۱۹). *الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مراد، عبدالفتاح (بی تا). *التحقیق الجنائی التطبیقی*. مصر: مؤلف.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز ترجمه.
- مکی المالکی، محمدعلی بن حسین (بی تا). *فقه المالکی*. بیروت: دارالکتب.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۸۹ق). *القواعد الفقهیه*. تهران: چاپ افسست.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳). *فقه القضاء*. قم: دانشگاه مفید.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۲). *مبانی تحریر الوسیله (القضاء و الشهادات)*. تهران: نشر آثار امام خمینی^(۵).
- مؤمن سبزواری، علی (۱۴۲۱). *جامع الخلاف و الوفاق*. قم: زمینه‌سازان ظهور.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۷). *عوائد الأيام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- واصل، محمد بن احمد (۱۴۳۹). *احکام الترجمة فی الفقه الاسلامی*. دارطیبه.
- Alish, M. A. (1987). *Manh al-Jalil*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Al-Kashif al-Ghita, M.H. (1940). *Tahrir Al-majallah*. Najaf Ashraf. (in Arabic)
- Al-Mawardi, A. H. A. (1999). *Al-Havi Al-Kabir*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (in Arabic)
- Al-Omari, N.Kh. (2020). *The civil responsibility of the legal translator in the Jordanian law*. Jordan: Amman Al Ahlia University. (in Arabic)
- Ashtiani, M.H. (1990). *Kitab Al-qaza*. Tehran: Rangin. (in Arabic)
- Garner, Bryan A. (2004). *Black's Law Dictionary*. Thomson West.
- Bustani, B. (n.d.). *Muhit al-Muhit*. Lebanon. (in Arabic)
- Curtotti Nappi, D. (2002). *Il problema delle lingue nel processo penale*. Milano: Giuffrè.
- Dardir, A. M. (n.d.). *Al-Sharh Al-Kabir*. Beirut: Dar Ihya Al-Kutub. (in Arabic)
- Desouki, M. (2003). *Hashyia Ala Al-Sharh Al-kabir*. Beirut: Dar Al-Fikr. (in Arabic)
- Eur. Court. H.R (19 December 1989). *Kamasinski v. Austria*, A. 168 & 74.
- Eur. Court. H.R (28 November 1987). *Luedicke, Belkacem and koc v. Germany*, A.29, & 46.
- Fazel Hindi, M. H. (1997). *Kashf al-Litham*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Golpayegani, S. M.R. (1984). *Kitab Al-Shahadat*. Qom: Ahl ul-bayt Foundation. (in Arabic)
- Golpaygani, S. M.R. (1992). *Kitab Al-Qaza*. Qom: Darul Quran. (in Arabic)
- Hajawi al-Salihi, M. (1997). *Kashf al-Qina'*. Lebanon: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (in Arabic)
- Hatim dan Munday (2004). *Translation, An Advanced Resource Book*. London: Routledge.
- Hilli (Allama), H. Y. (1991). *Tabsirah Al-Mutaallem*. Tehran: Ministry of Culture and Guidance. (in Arabic)
- (1992). *Qavaid Al-Ahkam*. Qom: Islamic Publishing. (in Arabic)
- <http://jurist.org/dateline/2012/04/iryna-dasevich-criminal-interpreters.php>
- Hur Ameli, M. H. (1988). *Wasa'il al-Shi'a*. Qom: The founder of Al Al-Bayt. (in Arabic)
- Ibn Manzur, M. M. (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Ibn Qudamah, A. R. (1982). *Al-Mughni*. Lebanon: Dar al-Kitab. (in Arabic)
- Iraqi, A. Z. (2000). *Kitab Al-Qaza*. Qom: Imam Reza Education Foundation. (in Arabic)
- Jalal, N. & Akhroon (2017). The responsibility of the civil translator for his civil mistakes. *Journal of Tikrit Law Society*, Vol. 2, No. 2. (in Persian)
- Jamal, S. (n.d.). *Hashyat Al-Jomal ala Al-manhaj*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Jawhari, I. H. (1986). *Al-Sahah*. Beirut: Dar al-Ilm. (in Arabic)
- Laila, M.K. (1970). *Control over administrative actions (judicial control)*. Beirut: Dar al-Nahda al-Arabiya. (in Arabic)
- Longhi, A. (2004). L'interprete nel processo penale italiano: perito, consulente tecnico o professionista virtuale?, <http://www.intralinea.it/volumes/eng_more.php?id=350_0_2_0_M44%> (accessed 1 March 2009).
- Makki al-Maliki, M.A. H. (1992). *Fighh Al-Maliki*. Beirut: Darul Kotob. (in Arabic)
- Momen Qomi, M. (2001). *Mabani Tahrir al-Wasilah*. Tehran: Publication of Imam Khomeini's Works. (in Arabic)
- Momen Sabzavari, A. (2000). *Jami' al-Khilaf wa al-Wifaq*. Qom: Zamineh Sazan Zuhoor. (in Arabic)

- Mostafavi, H. (1981). *Al-Tahqiq*. Tehran: Translation Center. (in Arabic)
- Mousavi Ardebili, S. A.K. (2002). *Fighh Al-Qaza*. Qom: Mufid University. (in Arabic)
- Mousavi Bojnouardi, S. H. (1969). *Al-qavaed Al-fighhyiah*. Tehran: Offset Printing. (in Arabic)
- Murad, A.F. (1992). *Criminal investigation, Comparative study*. Egypt: Al-Moallef. (in Arabic)
- Najafi, M.H. (1983). *Jawahir al-Kalam*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (in Arabic)
- Naraq, A. (1996). *Awa'id al-Ayyam*. Qom: Daftar Tablighat Islami. (in Arabic)
- Newmark (1988). *A Textbook of Translation*. Hertfordshire: Prentice Hall International.
- Nida, E. A. & Charles, R. T. (1982). *The Theory and Practice of Translation*. Leiden: E.J. Brill.
- Niska H. (1995). Just interpreting: role conflicts and discourse types, in M. Morris (ed.), *Translation and the Law*, Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins, 293-316.
- Piri, H. (1402). The effect of language diversity and the right to translation in the realization of a fair trial in international criminal proceedings. *Criminal Law Doctrines*, Vol. 20, No. 25, 93-126. (in Persian)
- Qari, A. S. M. (2001). *Marqat al-Mafatih*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Ragheb Isfahani, H. (1995). *Mofradat Alfaz Al-Quran*. Beirut: Dar Al-Sham. (in Arabic)
- Rainbolt .G. (2006). *The Concepts of Rights*. Springer.
- Razi, A. F. H. A. (1988). *Rouz Al-Janani Va Rouh Al-Janani*. Mashhad: Astan Quds. (in Arabic)
- Rouhani, S. S. (1991). *Fighh Al-Sadiq*. Qom: Dar Al-Kitab. (in Arabic)
- Saadi, M. Y. (2001). *Al-Mahdi Le-Din Allah*. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah. (in Arabic)
- Saber, M. (2009). *Is there a way to protect the mullahs?*. Tehran: Dadgster. (in Persian)
- Sabzevari, M.B. (2002). *Kefayah Al-alhakam*. Qom: Modaresin Society Publications. (in Arabic)
- Sau, S. (2010). *Le garanzie linguistiche nel processo penale, Diritto dell'interprete e tutela delle minoranze riconosciute*. Padova: Cedam.
- Sawadi, A. B. (1999). *The responsibility of the civil lawyer for his civil mistakes*. Amman: Dar al-Taqfa for publication and distribution. (in Arabic)
- Shelbi, M.T. (1988). *Responsibility of professional, civil and criminal lawyers*. Alexandria. (in Arabic)
- Simmon, J. (1994). *The Lockean Theory of Rights*. Princeton University Press.
- Tabarsi, F. H. (1994). *Al-Bayan Complex*. Beirut: Aalami Foundation. (in Arabic)
- Taha, F. et al. (2007). *Fair Trial*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
- The Internet Encyclopedia of Philosophy (Human Rights)", <http://www.iep.utm.edu/h/hum.rts.htm>
- The Right to an Interpreter for Criminal Defendants with Limited English, *JURIST – Dateline*" (2012), Iryna Dasevich.
- Tusi, M. H. (1986). *Al-Khilaf*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- (2007). *Al-Mabsut*. Tehran: Mortadaviyya Library. (in Arabic)
- Waldron, J. (1984). *Theories of Rights*. Oxford University Press.
- Wasil, M. A. (2017). *Ahkam al-Tarjomah fi al-Fiqh al-Islami*. Dar Tayyiba. (in Arabic)
- Zain al-Din Ben Ali (1992). *Masalik Al-Afham*. Qom: Knowledge Foundation. (in Arabic)
- Zarkashi, Sh. (2002). *Sharh Ala Mukhtasar Al-Kharqi*. Beirut: Dar Al-Kutub. (in Arabic)